شهادت مأمور مرزبانی در نقطه صفر مرزی

گروه حوادث/ فرمانده مرزبانی استان کردستان از وقوع درگیری مرزبانان با افراد ناشناس مسلح در منطقه مرزی ننور بانه و شهادت یک مرزبان خبر داد.

سرهنگ محمد عارف سپهری اظهار داشت: نیمه‌شب دوشنبه مرزبانان هنگ مرزی بانه حین حراست و پایش نقطه صفر مرزی و پشتیبانی از یگان‌های رزمی مستقل در مرز با افراد مسلح ناشناس مواجه شدند. مرزبانان با هوشیاری، اقتدار و اتخاذ موضع مناسب ضمن دفع حمله متجاوزان، از نفوذ آنان به خاک جمهوری اسلامی جلوگیری کرده و افراد مسلح با برتری آتش مرزبانان از محل متواری شدند.

فرمانده مرزبانی استان کردستان افزود: در این درگیری سرباز وظیفه «سیدمرتضی حسینی» با رشادت و مقتدرانه در برابر اشرار مسلح ایستادگی و بشدت مجروح شد و متأسفانه اقدامات پزشکی اولیه و تلاش برای احیا مؤثر واقع نشد و این مرزبان دلاور به‌دلیل شدت جراحات وارده به سینه به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

وی ضمن تبریک و تسلیت به خانواده شهید والامقام و همرزمانش از اقدامات اطلاعاتی ویژه برای شناسایی عاملان این درگیری خبر داد و تصریح کرد: این سرباز وظیفه اهل استان زنجان است و مراسم تشییع این شهید با حضور اقشار مختلف مردم، مسئولان، فرماندهان نظامی، انتظامی، مرزبانی و همرزمان برگزار و پیکر مطهر شهید به زادگاهش رهسپار می‌شود.

کشف جسد دختر ۶ ساله در یخچال خانه

گروه حوادث- مرجان همایونی/ مأموران پلیس وقتی برای دستگیری مردی مواد فروش راهی خانه‌اش شدند، تصور نمی کردند داخل یخچال خانه با جسد یک دختر ۶ ساله مواجه شوند.به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۳۰ مهر امسال، مأموران کلانتری ۱۷۲ شهرری، برای دستگیری مردی مواد فروش راهی خانه او شدند. به محض ورود دو مأمور پلیس به طبقه اول ساختمان، مرد ۲۶ ساله که از حضور مأموران باخبر شده بود، از پنجره فرار کرد.مأموران به جست‌وجوی خانه پرداخته و مقداری مواد مخدر از نوع تریاک پیدا کردند. اما مأموران در ادامه جست‌وجوها داخل آشپزخانه با یخچالی مواجه شدند که درهایش با چسب بسته شده بود اما سگ صاحبخانه مدام مقابل آن پارس می‌کرد.

مأموران با این احتمال که داخل یخچال مواد جاسازی شده است، در یخچال را باز کردند اما با یک بسته بزرگ که دورش پتو پیچیده بودند روبه‌رو شدند وقتی آن را از داخل یخچال بیرون آوردند پس از باز کردن بسته‌بندی مرموز ناگهان با جسد دخترکی داخل کیسه‌های نایلونی زرد رنگ مواجه شدند.

با کشف جسد بلافاصله موضوع به کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد و مأموران راهی محل شدند. در بررسی‌های اولیه باتوجه به اینکه جسد داخل یخچال قرار داشت، زمان و علت اصلی مرگ مشخص نبود اما به نظر می رسید که دخترک بر اثر خفگی فوت کرده است.از آنجایی که جسد داخل پتو و نایلون پیچیده و در یخچال قرار داده شده بود، احتمال قتل پررنگ شد. در تحقیقات محلی هویت دخترک به نام باران ۶ ساله شناسایی شد و طبق گفته همسایه ها و همبازی‌هایش از حدود ۱۵ روز قبل او دیگر به کوچه نیامده بود.

همچنین در تحقیق از همسایه‌ها، مشخص شد مرد مواد فروش مدتی قبل با مادر باران آشنا شده و از دو ماه قبل این مادر و دختر در خانه مرد مواد فروش زندگی می‌کردند. طبق اظهارات همسایه‌ها این زن یک فرزند بزرگتر هم داشته که پس از طلاق با همسرش زندگی می‌کرده است.

■ دستنوشته دلتنگی

در بازرسی از خانه، دفترچه یادداشتی نیز کشف شد که مادر باران نوشته بود: «نبود تو را نمی‌توانم تحمل کنم باران.» تاریخی که در دفترچه یادداشت نوشته شده بود، با زمان تقریبی مرگ باران مطابقت داشت.

در ادامه بررسی‌ها مشخص شد مرد مواد فروش دو بار به اتهام مواد مخدر و یکبار به اتهام سرقت بازداشت شده است.تحقیقات از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت برای دستگیری متهم و مادر باران و برملایی راز این جنایت ادامه دارد.

مراسم «قسامه» برای اثبات جرم

گروه حوادث/ مرد جوانی که در جریان درگیری بر سر جای پارک خودرو، همسایه‌اش را نابینا کرده بود محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از خرداد سال ۹۹ با گزارش یک درگیری خونین به پلیس آغاز شد. پس از آن مأموران بلافاصله به محل اعزام شدند و با بررسی های اولیه مشخص شد که دو همسایه بر سر جای پارک جلوی خانه باهم درگیر شده اند و یکی از آنها به نام محمود با ضربه زنجیر نادر را از ناحیه چشم مجروح کرده است.

در ادامه نادر برای درمان به بیمارستان منتقل شد اما پزشکان اعلام کردند که به خاطر شدت ضربه بینایی یک چشمش را به طور کامل از دست داده و باید تخلیه شود.

پس از تخلیه چشم نادر و بهبودی نسبی او به اداره پلیس رفت و از محمود شکایت کرد. ضمن اینکه کارشناسان پزشکی قانونی نیز اعلام کردند که در صورت محکومیت متهم، قصاص چشم او امکان پذیر است.با ثبت این شکایت محمود بازداشت و پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه دادگاه شاکی به جایگاه رفت و گفت: هر روز وسایل کارم را در یک چرخ دستی قرار می دادم تا بتوانم راحت آن را حمل کنم. روز حادثه چرخ دستی را جلوی در خانه متهم گذاشته بودم که او به یکباره با این ادعا که من چرخ‌دستی‌ام را در محل پارک خودرواش گذاشته‌ام معترض شد و در نهایت با هم درگیر شدیم.

او به سرعت از داخل خودرواش زنجیری درآورد و محکم به صورت و چشمم کوبید و در یک لحظه صورتم غرق خون شد. من از او شکایت دارم و فقط درخواست قصاص دارم و به هیچ عنوان هم حاضر به مصالحه نیستم.

در ادامه متهم به جایگاه رفت و گفت: قبول دارم که با شاکی درگیر شدم اما من ضربه‌ای که باعث کوری او شود نزدم و اتهامم را نمی‌پذیرم.پس از آن قضات به گزارش پلیس رجوع کردند که در آن آمده بود بررسی دوربین‌های مداربسته محل درگیری تصاویری از درگیری را ضبط نکرده است.

از این‌رو قضات پرونده را از موارد لوث تشخیص داده و حکم به برگزاری مراسم قسامه صادر کردند که شاکی با حضور در جایگاه ویژه قسم خورد که متهم با ضربه زنجیر باعث کور شدن یکی از چشم‌هایش شده است.

پس از مراسم قسامه توسط شاکی قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از مرگ یک زن با قرص های لاغری

مرد عطار به پرداخت دیه محکوم شد

گروه حوادث/ مرد عطار که با فروش قرص‌های لاغری، باعث مرگ زن جوانی شده بود، به اتهام مداخله در امور پزشکی و قتل شبه‌عمد از سوی قضات به پرداخت دیه محکوم شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از یک سال پیش با شکایت مرد جوانی که مدعی بود همسرش به خاطر مصرف قرص‌های لاغری جان باخته است، آغاز شد. وی در این باره گفت: همسرم مشکل اضافه وزن داشت و وقتی از طریق ورزش و رژیم‌های غذایی به وزن ایده آلش نرسید از یک عطاری قرص‌های لاغری تهیه و استفاده کرد اما پس از چند بار استفاده به یکباره حالش بد و در بیمارستان بستری شد و پس از ۱۰ روز هم فوت کرد. حالا من از عطاری که قرص‌ها را به همسرم فروخته شکایت دارم.پس از آن کارشناسان پزشکی قانونی علت فوت را مصرف متامفتامین یا ماده مخدر شیشه اعلام کردند.با این گزارش مرد عطار به اتهام مداخله در امور پزشکی و قتل شبه‌عمد بازداشت و به اداره آگاهی منتقل شد.

وی در بازجویی‌ها اتهامش را نپذیرفت و عنوان کرد که من قرص‌های لاغری را به مشتری‌های زیادی فروخته‌ام اگر قرار بود مشکلی پیش بیاید برای سایر مشتری‌ها هم باید پیش می‌آمد. شاید قربانی مصرف‌کننده شیشه بوده و شاکی می‌خواهد با طرح موضوع قرص‌های لاغری من را مجرم کند.

بعد از اظهارات متهم قرص‌های لاغری برای آزمایش و مشخص شدن مواد تشکیل دهنده آن به پزشکی قانونی فرستاده شد. آزمایشگاه پزشکی قانونی تأیید کرد که در ساخت قرص‌های لاغری از مقداری متامفتامین استفاده شده است.

بدین ترتیب پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست اشد مجازات کردند.

در ادامه متهم که با قرار وثیقه آزاد بود به جایگاه رفت و باز هم منکر اتهاماتش شد اما پس از اظهارات متهم، قضات وارد شور شده و مرد عطار را به پرداخت دیه محکوم کردند.

شکایت خانواده آرنیکا از انتشاردهندگان عکس و مطالب کذب

گروه حوادث/ همزمان با مرگ دختر دانش‌آموزی که بر اثر سقوط از ارتفاع جان‌باخته، بازپرس جنایی دستور بازداشت افرادی را که با شایعه‌سازی و انتشار عکس باعث انتشار اخبار کذب شدند، صادر کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، نخستین روز آبان‌ماه امسال یکی از مأموران کلانتری ۱۰۲ پاسداران در تماس با بازپرس میثم حسین‌پور گفت: مرد جوانی به کلانتری مراجعه کرده است. دختر او به نام آرنیکا، پس از ۸ روز بستری شدن در بیمارستان گلستان ارتش فوت کرده و خواهان صدور جواز برای دفن جسد دخترش است.

پس از بررسی‌های تیم جنایی مشخص شد، این خانواده در طبقه پنجم یک ساختمان زندگی می‌کردند و آرنیکا شب حادثه حدود ساعت یک بامداد به اتاق خوابش رفته و ساعت ۶ صبح زمانی که خانواده‌اش به اتاق او می‌روند تا دخترشان را بیدار کنند که به مدرسه برود، متوجه می‌شوند که دختر نوجوان در اتاق نیست و پنجره باز است که ناگهان با بدن نیمه‌جان او در حیاط خلوت خانه مواجه شدند. وقتی پدر و مادر خودشان را به حیاط رساندند دختر نوجوان هنوز زنده بود و توانایی صحبت کردن داشت، بنابراین او را با آمبولانس اورژانس بلافاصله به بیمارستان منتقل کردند.

آرنیکا ۸ روز در بیمارستان ارتش تحت درمان قرار داشت اما با توجه به پارگی طحال جان خود را از دست داد. پس از هماهنگی‌های قضایی با بازپرس جنایی، جسد دختر ۱۷ ساله دفن شد. اما هنوز چند ساعتی از ماجرا نگذشته بود که تصویر دختر نوجوان روی تخت بیمارستان در فضای مجازی منتشر شد و علت مرگ وی را مجروح شدن در اغتشاشات عنوان کردند.

با توجه به انتشار تصویر آرنیکا، پدر وی به دادسرای جنایی تهران مراجعه کرد و به بازپرس جنایی گفت: آرنیکا دختری آرام و درونگرا بود، همیشه در خانه حضور داشت و با گربه‌اش بازی می‌کرد. او هرگز در هیچ‌کدام از این اغتشاشات حضور نداشته و من از انتشاردهنده عکس دخترم و مطلب کذب شکایت دارم. نمی دانم چه کسی عکس دخترم را در آی سی یو گرفته و منتشر کرده است.

به گفته پدر آرنیکا وی از اورژانس خواسته دخترش را به بیمارستان گاندی ببرند اما اورژانس گفته باید بیمار را به نزدیک ترین بیمارستان برسانیم و علت انتقال وی به بیمارستان ارتش همین موضوع بوده است. همچنین در رسانه‌های معاند علت مرگ دختر ۱۷ ساله ضربه باتوم به سرش اعلام شده در حالی که وی به‌دلیل سقوط از طبقه پنجم، دچار پارگی طحال و روده شده بود و نظریه اولیه پزشکان نیز این موضوع را تأیید کرده است.

بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی تهران به خبرنگار «ایران» گفت: با توجه به شکایت خانواده آرنیکا، دستور شناسایی و دستگیری فردی که از وی در بیمارستان عکس تهیه و اخبار کذب منتشر کرده، صادر شده است.

زن جوان سردسته باند سرقت از خودروها

گروه حوادث/ اعضای یک باند به سرکردگی زن جوانی لوازم داخل خودروهای گران‌قیمت را سرقت و سپس با مالباخته‌ها تماس گرفته و در ازای مدارکشان پول می گرفتند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، خرداد امسال زن جوانی به پلیس مراجعه کرد و گفت: برای خرید ماشین از یکی از شهرهای شمال‌غربی کشور راهی تهران شدم. طلا و دلارهایم را به مبلغ ۳ میلیارد تومان فروختم و پول‌ها را در صندوق عقب خودروی ماشینم قرار دادم و به همراه شوهرم به تهران آمدیم. صبح که رسیدیم در مقابل طباخی توقف کرده و برای صرف صبحانه داخل شدیم. اما وقتی برگشتم با شیشه شکسته سمت راننده و سرقت پول‌هایم که داخل صندوق عقب بود مواجه شدم.با شکایت زن جوان، کارآگاهان اداره بیستم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شدند. دوربین‌های محل سرقت نشان می‌داد سرنشینان یک خودروی پژو ۲۰۶ که دو مرد و یک زن بودند در نزدیکی خودروی شاکی توقف کرده و پس از شکستن شیشه در را باز کرده و محتویات صندوق و وسایل داخل خودرو را به سرقت برده‌اند.سرهنگ علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران درباره این خبر به «ایران» گفت: به‌دنبال گزارش سرقت‌های سریالی از داخل خودروها، کارآگاهان اداره بیستم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شده و با بررسی‌های میدانی و انجام اقدامات اطلاعاتی، موفق شدند اعضای این گروه را که ۳ مرد و یک زن بودند دستگیر کنند. زن جوان سرکرده باند بود و یکی از پسران جوان همدست اصلی او محسوب می‌شد که در بازرسی از مخفیگاه آنها، تعداد زیادی از اموال سرقتی کشف شد.

گفت‌وگو با متهم

■ چه شد که به فکر سرقت افتادی؟

من هیچ مشکل مالی ندارم؛ خودم بوتیک لباس‌فروشی دارم و وضع مالی پدرم هم خوب است اما از سوی زن جوانی که حدود ۸ سال از خودم بزرگتر است اغفال شدم. من عاشق او شدم و مرا معتاد کرد، بعد هم دستور سرقت لوازم داخل خودروهایی را که معمولاً مدل بالا بودند صادر می‌کرد.

■ خودروها را چطور شناسایی می‌کردید؟

از مقابل تالارها، طباخی‌ها و رستوران‌ها عبور می‌کردیم. شهلا سردسته باند به بازبینی خودروها می‌پرداخت و دستور می‌داد کدام خودرو را سرقت کنیم. ما هم با پیچ گوشتی شیشه خودروها را شکسته و اقدام به سرقت می‌کردیم.لوازم سرقتی که از مخفیگاه متهم و زن جوان به‌دست آمده روی میز در چند قدمی او قرار دارد و در میان این لوازم سرقتی تعداد زیادی کیف است. او در پاسخ به این سؤال که کیف‌ها را به چه منظوری نگه می‌داشتی گفت:داخل کیف‌ها معمولاً مدارک مالباخته‌ها بود. با آنها تماس می‌گرفتم و به آنها می‌گفتم اگر مدارکشان را می‌خواهند از ۷ تا ۲۰ میلیون تومان به کارت خودشان که ما سرقت کرده بودیم پول واریز کنند رمز کارت را هم می‌گرفتم. آنها هم پول‌ها را واریز می‌کردند و من یا با تاکسی اینترنتی یا به وسیله پست مدارک را ارسال می‌کردم. مثلاً یک مورد پزشک جراح زیبایی بود که برای دریافت مدارکش ۱۰ میلیون تومان پرداخت کرد.

■ از سرقت‌ها چقدر گیرت آمد؟

مبلغش را نمی‌دانم شاید بیش از دو میلیارد تومان اما حدود ۵۰۰ خودرو را به این شیوه سرقت کردیم.

■ آخرین بار کی از زندان آزاد شدی؟

بعد از دو سال حبس عید امسال بود که آزاد شدم.

■ با پول‌هایی که از سرقت‌ها به‌دست آوردی چه کردی؟

هزینه مواد می کردم و برای خودم لباس‌های مارک می‌خریدم. خیلی از این وسایلی که اینجاست برای خودم است. گرچه با پول حرام خریده‌ام اما خودم خریده ام دزدی نیست.

■ همدستان دیگری هم داری؟

زن جوانی که به من دستور سرقت می‌داد به دو مرد دیگر هم مثل من دستور سرقت می‌داد.

اخبار

فرماندار سراوان:

قتل دختر ۸ ساله با شلیک پلیس صحت ندارد

گروه حوادث/ فرماندار سراوان کشته شدن دختر هشت ساله سراوانی در روستای آسپیچ این شهرستان بر اثر تیراندازی مأموران انتظامی را کذب خواند.

سعید تجلیلی فرماندار سراوان در جنوب شرق سیستان و بلوچستان به ایرنا گفت: در جریان تیراندازی میان سرنشینان ۲ خودرو در سراوان دختربچه ۸ ساله‌ای به نام مونا نقیبی بر اثر اصابت گلوله جان باخته است. با توجه به پیگیری‌های انجام شده به سرنخ‌هایی دست یافتیم و رسیدگی به این موضوع در دستور کار مسئولان انتظامی و امنیتی قرار دارد و به خانواده این دختر توضیح داده شده که دوربین‌های اطراف و دوربینی که در محل بزرگراه بوده کاملا این حادثه را ضبط کرده و شماره ماشین نیز مشخص شده است.

از این‌رو به خانواده این دختربچه این اطمینان داده شده که این موضوع تا شناسایی و دستگیری عاملان این حادثه پیگیری خواهد شد.فرماندار سراوان خاطرنشان کرد: مسئولان انتظامی سراوان در حال شناسایی سرنشینان این دو دستگاه خودرو هستند و به محض شناسایی و دستگیری این افراد موضوع اطلاع‌رسانی خواهد شد.

اجاره آدمکش ۱۰۰ میلیونی برای قتل شریک

گروه حوادث/ مرد میانسال با پرداخت ۱۰۰ میلیون تومان یک آدمکش اجیر کرد تا شریک افغانستانی‌اش را به قتل برساند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، در پی کشف جسد مرد جوانی که با شلیک یک گلوله پشت فرمان خودروی پژو ۲۰۷ کشته شده بود موضوع از سوی مأموران پلیس به بازپرس محمدرضا صاحب جمعی اعلام شد و تحقیقات در ساعت ۹ صبح سه‌شنبه ۱۹ مهر، آغاز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد مقتول مردی افغانستانی بوده که عصر روز قبل از کشف جسد کشته شده بود.در تحقیقات از خانواده مقتول آنها مدعی شدند وی پیمانکار ساختمان بود و از آنجایی که تبعه خارجی بوده و مجوز خرید و فروش نداشته به همین دلیل یکی از دوستانش به نام بهزاد، کارهای خرید و فروش او را انجام می‌داده و ملک و دارایی‌های مقتول به نام بهزاد بود. روز قبل از کشف جسد، مقتول مقدار زیادی پول همراه داشته و قرار بود به همراه بهزاد برای خرید یک خودروی لوکس و گرانقیمت بروند اما دیگر خبری از او نشد.

با اطلاعاتی که خانواده مرد افغانستانی در اختیار تیم تحقیق قرار دادند، بهزاد بازداشت اما منکر ملاقات با مقتول شد تا اینکه در ادامه بازجویی‌ها در نهایت مرد میانسال روز گذشته لب به اعتراف گشود و گفت: ۱۵ سال با مقتول دوست بودم و تقریباً شراکت داشتیم.

در این داد و ستدهای کاری ۲ میلیارد تومان پول او دست من بود. او مدتی قبل پولش را خواست اما من با اینکه وضع مالی خوبی دارم، در آن زمان توانایی پرداخت بدهی‌ام را نداشتم. به همین دلیل تصمیم گرفتم که او را از سر راه بردارم. کارگری را می‌شناختم که در ساختمانی اطراف تهران کار می‌کرد. یک هفته قبل به او پیشنهاد دادم که ۱۰۰ میلیون تومان بگیرد و شریکم را به قتل برساند. او هم قبول کرد سپس اسلحه‌ای تهیه کردیم و نقشه قتل او را کشیدیم. با اعتراف مرد ثروتمند، کارآگاهان جنایی وارد عمل شده و کارگر اجیر شده را دستگیر کردند. بهزاد نیز در تحقیقات اولیه باتوجه به مدارک و شواهد پلیسی به قتل اعتراف کرد.

به دستور بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران، متهمان در اختیار کارآگاهان اداره دهم قرار داده شدند و تحقیقات ادامه دارد.

شوهر خشمگین همسر و دخترانش را آتش زد

گروه حوادث/ مرد عصبانی وقتی همسرش از خانه قهر کرد و رفت او را با تهدید و زور به خانه برگرداند اما در اقدامی هولناک زن جوان و دو دخترش را به آتش کشید.

علی محبوبی‌پور، مدیرکل دفتر امنیتی، انتظامی، اتباع و مهاجران خارجی استانداری اردبیل در تشریح این ماجرا اظهار کرد:ساعت ۲۱:۴۱ شامگاه دوشنبه خبر آتش گرفتن یک خانه در شهر «آلنی» مشگین‌شهر به آتش‌نشانی و پلیس اعلام شد . وقتی مأموران به محل رفتند مشخص شد آتش سوزی عمدی بوده و مردی ۳۶ ساله بر سر اختلافات خانوادگی خانه را آتش زده است.در ادامه مأموران دریافتند همسر این مرد به خاطر اختلافات خانوادگی قهر کرده و همراه دو دختر ۹ و ۵ ساله‌اش از خانه رفته بودند اما این مرد آنها را به زور به منزل آورده و بعد از درگیری در خانه را بسته و خانه را به همراه همسر و دو دخترش با بنزین آتش زده است.

علی محبوبی‌پور در ادامه گفت: همسایه‌های این خانواده شامل دو زن و سه مرد نیز که برای کمک به این خانواده آمده بودند، دچار سوختگی شده و به بیمارستان منتقل شده‌اند.وی با بیان اینکه در این حادثه تلخ کل اموال منزل نیز دچار حریق شده و سوخته است، خاطرنشان کرد: همسر و دختران این خانواده با ۱۰۰ درصد سوختگی به بیمارستان منتقل شده‌اند. مدیرکل دفتر امنیتی، انتظامی، اتباع و مهاجران خارجی استانداری اردبیل اضافه کرد: پدر خانواده در حالت روحی و روانی نامتعادل بوده و به دنبال اختلاف شدید خانوادگی، آتش به جان همسر و فرزندان خود انداخته است.

پیرمرد غارنشین دژگاه جان باخت

گروه حوادث/ پیرمرد تنهایی که سال‌ها حمام نرفته و به همین خاطر لقب کثیف‌ترین مرد ایران را به او داده بودند درگذشت.

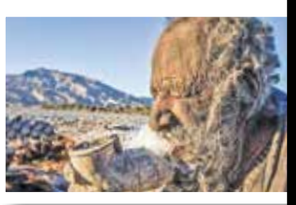

این مرد تنومند و کهنسال معروف به عموحاجی ساکن روستای دژگاه از توابع بخش دهرم شهرستان فراشبند استان فارس بود و به گفته روستاییان بهداشت فردی را رعایت نمی‌کرد. او پیرمردی با شمایل انسان‌های غارنشین بود که در مکانی غیربهداشتی و بدون سرپناه سکونت داشت.

وی از خوردن هر نوع خوراکی سالم و تازه پرهیز می‌کرد و معتقد بود که لذیذترین غذا، حیوانات مرده و گندیده است و «اگر تمیز شود، مریض می‌شود».او بر این باور بود که حمام رفتن و تمیزی، بدنش را از سلامتی دور می‌کند.

با این حال مردم منطقه احترام خاصی برای او قائل بودند و رعایت حالش را می‌کردند.وی دلیل دوری خود از آب را ترس از مریض شدن عنوان می‌کرد. تا اینکه چند ماه قبل، اهالی روستا او را برای شستشو به حمام بردند اما دیری نپایید او دچار بیماری شد و سرانجام روز یکشنبه اول آبان در سن ۹۴ سالگی درحالی که هرگز ازدواج نکرده بود جان به جان آفرین تسلیم کرد.